

ادبیاتی در شأن انقلاب خلق نشده است

درگفت و گو با ابراهیم حسن بیگی - داستان نویس

غفوریان

«ابراهیم حسن بیگی» نویسنده داستان های دفاع مقدس اهل گرگان و اکنون ۵۶ ساله است. رمان «محمد (ص)» او به زبان ترکی، ازبکی، اردو و عربی ترجمه شده است. «گلستان در آتش»، «رشته های ماندگار»، «سال های بنفش»، «معمای مسیح»، «جشن گندم»، «کمیل» و... از جمله آثار اوست. کتاب «ریشه در اعماق» ابراهیم حسن بیگی طی سال های متعدد به عنوان کتاب برگزیده ۲۰ سال داستان نویسی انقلاب و دفاع مقدس انتخاب شده و جوایز متعددی کسب کرده است. «حسن بیگی» در این گفت و گو زوایای مختلف ادبیات داستانی انقلاب را بررسی می کند. او معتقد است: فاصله ادبیات انقلاب با خود انقلاب فاصله ای فاحش دارد. این گفت و گو اینک از نظر شما می گذرد.



- آقای حسن بیگی اگر موافق باشید صحبت را با مروری کلی بر وضعیت و جایگاه کنونی داستان انقلاب آغاز کنیم. در نگاه شما داستان انقلاب اکنون در چه شرایطی به سر می برد؟

فاصله آن چه به عنوان ادبیات داستانی انقلاب مطرح است با خود «انقلاب» بسیار فاحش است و تصور نمی کنم نویسندگان، هنرمندان و کسانی که در اندیشه انقلاب و متعهد به آن بودند شأن و جایگاه انقلاب را در ادبیات خودشان منعکس کرده باشند. البته این موضوع و دغدغه از سال های قبل همواره مطرح بوده است و تقریباً همه اذعان داشته اند که متأسفانه هنوز ادبیات، فرهنگ و هنر در شأن انقلاب خلق نشده است.

جناب حسن بیگی با توجه به آن چه اشاره کردید اکنون پرسش من این است که نقطه مطلوب این ادبیات کجاست و اساساً آرمان ادبیات انقلاب چیست؟

ببینید میزان سنجش ما در این حوزه خود انقلاب است. جایگاه انقلاب اسلامی به عنوان یک پدیده بزرگ که در سال ۱۳۵۷ پیروزی رسید در واقع رویداد عظیم و قابل توجهی را در دنیا رقم زد و همچنین به عنوان یک پدیده بزرگ اجتماعی

مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی دگرگونی های شگرفی را در پایه های حکومتی به وجود آورد به هر حال یک اتفاق جدید و نادر در دنیا روی داد که پس از ۱۴ قرن از صدر اسلام تا حدود زیادی سابقه نداشت و خود این رویداد ساحت با عظمتی را به رخ کشید... با توجه به این ابعاد و ساحت هایی که همراه انقلاب برای جامعه پدید آورد این ظرفیت را داشت که تاده ها سال دستمایه قلم زد و فیلم سازی را برای نویسندگان و هنرمندان فراهم آورد و در واقع می توانست خوراکی باشد برای انبوه تولیدات یک جامعه کما این که اگر این ظرفیت قابل توجه در هر کشور دیگری به ویژه اگر در اروپا رخ می داد سی و سه سال که هیچ اگر یکصد سال هم می گذشت باز هم در باره آن می توانستند تولیدات ارزشمند داشته باشند چنان چه می بینیم اکنون در اروپا با وجود این که حدود ۸۰-۷۰ سال که از جنگ های جهانی گذشته هنوز هم در باره آن آثاری را در حوزه فرهنگ و هنر و ادبیات تولید می کنند.

ما وقتی به این جایگاه و بلند مرتبه بودن انقلاب ۵۷ آگاهیم و در عین حال آثار تولید شده بیش از سه دهه گذشته را بررسی می کنیم در می یابیم که این آثار به ویژه در بخش داستانی از لحاظ استعداد و کیفیت وضعیت مطلوبی ندارد و راضی کننده نیست و به نظر می رسد که هنرمندان هنوز نتوانسته اند نسبت به این